

اعلامیه ی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

تبعیض جنسیتی و نابرابری هنوز سیمای نظم موجود جهان است! ستم بر زنان و اعمال ستم بر اساس جنسیت در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن اساسی نظام سرمایه داری است که نابرابری بنیادی در جامعه را باز تولید می کند. هرچند سرمایه داری مبتکرانقیاد زنان نیست و فرودستی زنان به شیوه های مختلف در تمام جوامع طبقاتی پیشین نیز وجود داشته است، اما سرمایه داری همواره ستم بر زنان و مردسالاری را به عناوین مختلف در جامعه باز تولید و تشدید می کند. اساس نظام و دنیای موجود را تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد تشکیل می دهد. این چهارچوب، منشأ نابرابری و تبعیض از جمله ستمکشی زن در محل کار و جامعه و قانون و تفکر حاکم است. مردسالاری، محصول فرهنگ و قوانین ناظر بر این نابرابری بنیادی است. علیرغم اینکه در بخشی از کشورهای پیشرفته تر جهان در قیاس با کشورهای استبداد زده در نتیجه مبارزات زنان و مبارزات کارگری و سوسیالیستی، تغییراتی در قوانین و تغییر نسبی در موقعیت زنان بوجود آمده است، اما تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان در اکثر کشورهای جهان به شیوه ای زمخت نمایان است. هشت مارس خود محصول جنبش بین المللی سوسیالیستی طبقه کارگر و یک سنت مبارزاتی رادیکال زنان کارگر و کمونیستی است که هنوز در مقابل واپسگرایی بورژوازی مقاومت می کند و می جنگد.

امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی زن می رویم که بیش از دو سال از پاندمی کرونا می گذرد و بورژوازی جهانی علیرغم دسترسی انسان به امکانات و پیشرفت علم و تکنولوژی در مقابله با چنین مصائبی، بیش از هر دوره ای بی لیاقتی و ناتوانی خود را در اداره جامعه و حفظ سلامتی مردم نشان داده است. در جهانی که جان انسان بسادگی قربانی سود سرمایه می شود، ستم بر زنان نمی تواند ریشه کن شود. پاندمی کرونا و بحران سرمایه داری نه تنها بیکاری و فقر گسترده تری را به طبقه کارگر و مردم محروم جهان تحمیل کرد، بلکه فشار ناشی از این اوضاع به اعمال خشونت بیشتر علیه زنان و افزایش آزار جسمی و جنسی علیه آنان در خانواده و محل کار شده است.

اگر اعمال تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان ضرورتی جهانی برای سود سرمایه است، این امر در کشورهای تحت حاکمیت رژیم های اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران در قالب یک سیستم آپارتاید جنسیتی تمام عیار عمل می کند. این رژیم با استفاده از مذهب به مثابه ابزار ایدئولوژیک و با بهره گیری از فرهنگ عقب افتاده مردسالارانه، تبعیض جنسیتی و خشونت بر زنان را قانونی و نهادینه کرده است و حقوق اولیه زنان نظیر حق تشکل مستقل زنان، حق سقط جنین، حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق وراثت، حق مسافرت، حق انتخاب لباس، حق انتخاب رشته تحصیلی و ... از زنان رسماً سلب شده است. تفکیک جنسیتی در تمام ارکان جامعه و در مؤسسات آموزشی به یک اصل تبدیل شده است. رژیم در حالیکه به مردان حق چند همسری اعطا می کند، با ترویج فرهنگ مرد سالارانه و ارزش های پوسیده ارتجاعی مانند ناموس و غیرت به وقوع و افزایش خشونت و بربریت عریان همچون قتل های ناموسی - زن کشی، دامن می زند. کودک همسری یا تجاوز به کودکان را قانونی میکند و از سوی دیگر با رواج دادن صیغه به تن فروشی چهره ای قانونی می دهد.

اسلام سیاسی اکنون بعنوان یک جنبش ضد انسانی و زن ستیز فقط در ایران نیست که زندگی میلیونها انسان را به تباهی کشانده است، بلکه در سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقا نیز زندگی زنان را با مخاطرات جدی تری روبرو کرده است. به قدرت رساندن نیروهای مرتجع طالبان در پائیز ۲۰۲۱، عقب نشینی بزرگی

را به مردم افغانستان، بویژه زنان تحمیل کرده است و بار دیگر هم سرنوشتی زنان را در ایران و افغانستان برای آزادی و برابری در مقابله با توحش اسلامی رابه هم گره زده است.

با این همه و به رغم همه این فشار و تبعیض و سرکوب و بی حقوقی، جنبش رهایی و برابری طلبانه زنان در ایران هیچوقت متوقف نشد و اکنون به یکی از جنبش های رادیکال و قدرتمند بر علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده و در میان مردم ایران از پشتیبانی و محبوبیت بسیاری بر خوردار است. دولت جمهوری اسلامی از پتانسیل قوی و رادیکال جنبش زنان به خوبی آگاه است و به همین دلیل از هرابزاری برای سرکوب و عقب نشینی آنان و دستاوردهای شان استفاده می کند.

اگر چه در تمامی سال های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، مبارزات زنان آزاده ایران به اشکال مختلف تداوم داشته است، اما خیزش های انقلابی دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داد که تغییر واقعی در موقعیت زنان در گرو پیشروی و عروج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

از این رو، همانگونه که در بیانیه سیاسی مصوبه کنفرانس استکهلم "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" آمده است، جنبش رهایی زن تنها با گذر انقلابی از جمهوری اسلامی و در راستای یک افق سوسیالیستی، با شرکت فعال در یک جنبش سراسری و در همگامی با سایر جنبش های اجتماعی می تواند در موقعیت بهتری قرار گیرد. جنبشی که هر گونه ستم و تبعیض جنسیتی را مردود می شمارد و علیه هر گونه نابرابری و بی عدالتی مبارزه می کند. پوشیده نیست مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی نیز مانند هر جنبش مطالباتی دیگر نمی تواند با مبارزات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی جاری در جامعه و سایر جنبش های رفع تبعیض و استثمار و ستم همسو نگردد. تنها در بهم پیوستگی تمامی جنبش های سیاسی و اجتماعی موجود است که افق های روشنی در برابر کلیت جامعه قرار می گیرد. روشن است عین این وضعیت برای زنان افغانستان نیز صادق است.

مقاومت قهرمانانه ی زنان افغانستان در تقابل با توحش اسلامی طالبان و علیه مماشات دولت های امپریالیستی، نشان می دهد که جنبش آزادیخواهی زنان در خاورمیانه از جمله در ایران و افغانستان از ظرفیت بالایی برخوردار است و همراه با جنبش کارگری و دیگر جنبش های آزادیخواه با به میدان آمدن نیروی کارگران و زحمتکشان می تواند چشم انداز آینده ای روشن، آینده ای عاری از ستم و تبعیض و نابرابری را برای زنان امکان پذیر نماید.

حضور زنان در صفوف اول تظاهرات و اعتراضات ماه های اخیر معلمان و بازنشستگان، نشان از پتانسیل عظیم جنبش برابری طلبانه آنان برای رفع تبعیض و نابرابری در جامعه ایران است. هم اکنون، جامعه ی ایران آستان حوادث مهمی است و فعالین جنبش برابر طلبی زنان بدون شک در صف اول این مبارزات خواهند بود.

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، همبستگی با مبارزات زنان در اقصی نقاط جهان به وظیفه اردوی سوسیالیستی و برابری طلبی در ایران و جهان تبدیل شده و ضرورت حمایت و پشتیبانی همه جانبه از این مبارزات را صد چندان ضروری کرده است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ، همه ی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، همه احزاب و جریانهای چپ و کمونیست را در روز ۸ مارس به مبارزه ی پیگیرعلیه جمهوری اسلامی و رفع تبعیض و نابرابری و یک رهایی سوسیالیستی فرا می خواند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه و سوسیالیستی زنان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۹ فوریه ۲۰۲۲

۳۰ بهمن ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.